

دستگاه ماهور و گوشه‌های تشکیل دهنده آن

۱- درآمد

۲- کرشمه

۳- ساقی نامه

۴- نصیرخانی

۵- طوسی

۶- مرادخانی (آذربایجانی)

۷- جغتائی

۸- حربی

۹- نیریز صغیر و کبیر

۱۰- داد

۱۱- دوییتی خرم آبادی

۱۲- راک عبدالله

۱۳- شکسته ماهور

۱۴- گشایش

۱۵- حصار ماهور

۱۶- ماهور صغیر

۱۷- نیشابورک

۱۸- شکسته

۱۹- فیلی

۲۰- دلکش

۲۱- کرشمه در دلکش

۲۲- خاوران

۲۴- خسروانی

۲۵- خوارزمی

۲۶- صوفی نامه

۲۷- کشته مرده

۲۸- عراق

۲۹- نهیب

۳۰- حزین

۳۱- محیر

۳۲- زنگوله

۳۳- اصفهانک

۳۴- سروش

۳۵- راک هندی

۳۶- راک کشمیر

۳۷- آشوراوند

۳۸- صفیر راک

۳۹- تصنیف

«۱»

۱- نام گوشه : در آمد ماهور^(۱)

۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ اوّل گام

۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ پنجم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

ایرانیان در بسیاری از پرستشهای خود سرودهای ویژه داشته‌اند که در هنگام عبادت و نیایش به آنها می‌پرداخته‌اند.

از آنجا که پرستش ماه و هور (خورشید) و تقدس آنها بعنوان مظاهر اهورایی همواره مورد توجه ایرانیان باستان بوده است، به همین لحاظ مجموعه سرودهایی را در هنگام نیایش ماه و خورشید داشته‌اند که (ماه و خورشید) یا (ماه و هور) گفته می‌شده است و بعدها در بستر تاریخ به ماخور و ماهور تبدیل گشته است. این ستایش و نیایش‌ها در هر شهر از ایران بزرگ، بصورتی جلوه‌گر بوده است. بصورتیکه ملودی و سرود نام آن شهر را بخود می‌گرفته است. مانند آذربایجانی - نیریز - عراق - آشور - خوارزمی - و

بهترین دلیل برای شاهد این مدعا آن است که تعداد گوشه‌ها و تیکه‌هایی که انتساب به سایر شهرهای ایران دارند، در مجموعهٔ ردیف دستگاه ماهور بیش از سایر دستگاهها است، بطوریکه تعداد گوشه‌های منتسبه تحت عناوین شهرها در زنجیرهٔ دستگاه ماهور طبق ردیف موجود و ردیف منتخب نگارنده به ۱۱ عدد می‌رسد و این در حالیست که در دستگاههای دیگر این عدد چشمگیر نبوده و از مرز ۶ عدد تجاوز نمی‌کند.

ضمناً این تصور غلطی است که عده‌ایی گمان می‌کنند واژهٔ ماهور برگرفته از (مدماژور) فرنگی است و باید گفت که ماژور تغییر یافتهٔ واژهٔ ماهور ایرانی است و اصل ریشه از زبان پهلوی ایران باستان است.^(۲)

۱ - زنده‌یاد حنانه در کتاب گامهای گمشده با توجیهاتی ماهور را با واژهٔ یگاه نیز آورده است «ن»

۲ - دگرگونی «ه» به «ژ» در واژه‌هایی دیگر مثل «اژی» اوستائی و «اهی» سانسکریت بمعنی ازدها و نیز در ←

کرشمه‌ایی کن و بازار ساحری بشکن به غمزه رونق و ناموس سامری بشکن

«حافظ»

«۲»

۱- نام گوشه: کرشمه^(۱)

۲- محل قرار نت شاهد: درجهٔ اوّل گام

۳- گسترهٔ ملودی تا: درجهٔ ششم گام

۴- وجه تسمیه: توضیح در متن

قدما اجرای شعر با بحر (هزار مرتبه به‌به از آن لب شکرینت) و یا (مفاعیلن فعلاتن را در ملودی کلیهٔ دستگاهها و آوازاها کرشمه گفته‌اند. کما اینکه در حال حاضر کرشمه قابل اجرا در کلیهٔ آوازاها و دستگاههای موسیقی ایرانی است.^(۲)

ملودی گوشهٔ کرشمه بیشتر بصورت ضربی گونه اجرا می‌شود و می‌توان آن را بدون داشتن ضرب ($\frac{3}{4}$) نیز اجرا نمود.

ناگفته نماند که گوشهٔ فوق‌الذکر علاوه بر اجرا در پردهٔ درآمد هفت دستگاه و پنج‌آواز می‌تواند در کلیهٔ پرده‌های هر کدام از درجات گام‌ها خودنمائی کند.^(۳)

بنابراین براساس توضیحات مذکور نت شاهد آن، شاهد درآمد و گسترهٔ آن می‌تواند تا درجهٔ ششم گام دستگاه موردنظر باشد.

→ «ژماره» و «هماره» ارمنی بمعنای شماره... هنوز شنیده می‌شود. زمینه شناخت موسیقی ایران ص ۱۱۷

فریدون جنیدی

۱- اجرای شعر در گوشه یا تیکه را در قدیم کرشمه نیز می‌گفتند. (قول عبدالله دوامی به روایت مجید کیانی در

کتاب ردیف هفت دستگاه موسیقی ایران ص ۵۰)

بیا ساقی آن می که حور بهشت
عبیر ملائک در آن می سرشت
بده تا بخوری در آتش کنم
دماغ خرد تا ابد خوش کنم
«حافظ»

- ۱- نام گوشه : ساقی نامه
۲- محل قرار نت شاهد : درجه اول گام
۳- گستره ملودی تا : درجه آخرین گام
۴- وجه تسمیه : توضیح در متن
- «۳»

نوعی از شعر بعلت آنکه مضمون ابیاتش خطاب به ساقی است به ساقی نامه شهرت یافته است. میگویند در عصر قاجاریه یکی از موسیقیدانهای مشهور^(۱) آن زمان بر مبنای این اشعار آهنگی ساخته که به ساقی نامه شهرت یافته است.

در میان گوشه‌های معمول الاجرا در دستگاه ماهور و آواز بیات اصفهان، گوشه‌های ساقی نامه صوفی نامه - کشته مرده) باید با دقت نظر بیشتر مورد ارزیابی قرار گیرند. بدین معنی که اصولاً به چه قسمت از ملودی، ساقی نامه گفته می‌شود، به چه قسمتی از ملودی دو واژه دیگر را اطلاق می‌کنند. در جستجوی اشعار با وزنی خاص در میان دیوانهای شعرا به نوعی از شعر برمی‌خوریم که بحر آن (فعولن فعولن فعولن فعول) بوده و در جای جای ردیف ثبت و ضبط شده، با ملودی بخصوصی درگام ماهور با ضرب $\frac{4}{4}$ اجرا شده و به آن ساقی نامه می‌گویند. زنده یاد علی نقی وزیری در باره ساقی نامه چنین می‌گوید: (۲)

«ساقی نامه را با تصنیف مقایسه کرده، اختلاف هر کدام را معرفی می‌کنیم. مثلاً تصنیف همان

۱ - ظاهراً انتساب آهنگ مورد بحث به یکی از این سه تن (آقا حسین قلی - میرزا عبدالله - محمدصادق خان)

بیشتر است. «ن»

۲ - تعلیمات موسیقی (دستور تار) ص ۱۲۹ چاپ پدیده، انتشارات فرهنگسرا

معنی را دارد که در اروپا یک مقام ساده عمومی پسند را که ضربی و خوشحال باشد یا شعر فراخور خودش که بیشتر (هجو است و کنایه) توأم کرده و تقسیم به چند بند و یک برگردان می‌شود و قاعدتاً باید طرزی ضربی باشد که بتوان با آن رقصید. اما ساقی نامه رامی توان تشبیه به رمانس^(۱) اروپائی کرد و بهتر است به اسم خودش باقی بماند و به هیچ چیز تشبیه نشود. در هر حال آوازی است ضربی که تن نصیحت یا شکایت به طرز حکایت‌وار از آن شنیده می‌شود. یکمرتبه که آهنگ اوّل ارائه شد همان آهنگ دربندهای مختلف و در گوشه‌های مختلف دستگاه خودنمایی می‌کند و مجدداً رجعت به بند اوّل خواهد کرد.»

موارد مشابه نیز در مقاطع دیگر ردیف یافت می‌شود مانند (مثنوی - رباعی - دوبیتی) که صرف نظر اینکه نوعی از محور شعری هستند، بعنوان گوشه‌های مستقلی در ردیف از آنها بهره گرفته شده و می‌شود.

در حال حاضر ساقی نامه را به مدد اشعاری از ساقی نامه‌های دواوین شعرا بصورت ضربی در دستگاههای (ماهور - همایون - بیات اصفهان) اجرا می‌کنند. نت شاهد آن روی گام ماهور درجه اوّل گام است و همچنین در گام همایون روی درجه دوّم گام قرار دارد و روی گام بیات اصفهان درجه اوّل گام را اشغال کرده است. گستره ملودی آن می‌تواند تا حد گستره گام هر کدام از دستگاههای ذکر شده باشد.

۱ - داستانهای غنائی بلند که توسط خوانندگان دوره گرد خوانده می‌شدند، قطعات موسیقی غیررسمی ظریف و

لطیف و عاشقانه (Romance - فرانسوی و انگلیسی) فرهنگ تفسیری موسیقی ص ۵۲۰ - بهروز وجدانی

۱- نام گوشه : نصیرخانی

۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ اوّل گام

۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ پنجم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

چنانچه در بخشهای دیگر، در توضیح وجوه تسمیهٔ سایر دستگاهها و آوازاها خواهید خواند، در قدیم به علت اینکه موسیقی در انحصار طبقهٔ اشراف بوده است از این رو بیشتر اثراتی از خوانین و افراد ذی نفوذ مهم که از موقعیت‌های اجتماعی برخوردار بوده‌اند، (چه از نظر نام و چه از نظر اثرات ساخته و پرداخته شدهٔ ملودیک) در ردیف‌ها بجا مانده است.

نصیرخانی نیز از جمله ملودیهای است که انتساب به فردی با نفوذ به نام

نصیرخان را حکایت می‌کند.^(۱)

در بعضی از ردیف‌ها نصیرخانی را طوسی نیز می‌گویند. بحر ملودیک آن از لحاظ انطباق با عروض چهار بار متفاعلن می‌باشد، که حالت آن را در درجات مختلف گام ماهور اجرا می‌نمایند. محل نت شاهد آن درجهٔ اوّل گام است و معمولاً تا درجهٔ پنجم گسترش می‌یابد ولی از آنجائیکه در تمامی درجات گام ماهور قابل اجراست بهتر است گسترهٔ آن را تا درجهٔ هشتم ماهور ذکر کنیم.

۱ - نمونه‌هایی از این دست در ردیف موسیقی ایران به کرات دیده می‌شود مانند - رضوی جوادخانی در شور -

حسن موسی در ابوعطا - مهدی ضرابی در ترک... «ن»

۱- نام گوشه : طوسی «۵»

۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ اول گام

۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ پنجم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در بخش راست و پنجگاه

در بخش دستگاه راست و پنجگاه به تفصیل شرح داده شد.

نت شاهد و گسترهٔ آن عیناً مانند گام راست و پنجگاه است.

۱- نام گوشه : مراد خانی «۶»

۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ اول گام

۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ آخرین گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

از جمله گوشه‌هایی که منسوب به شخص است مرادخانی است. وی از جمله نوازندگان زمان قاجاریه بوده و در سلک سایر عملهٔ طرب در خدمت دربار و مجالس انس نوازندگی می‌کرده است. حالتی در مآثور موجود است که بیشتر اشعاری با وزن مفتعلن فاعلن (دوبار) درخور آن است، و به مرادخانی معروف شده است.

عارف^(۱) این شخص را در یاد نامه‌های خود که از مجالس الفت و انس با دوستان داشته است، بسیار نوازندهٔ بدی شناخته و گفته که وی خیلی بد تار می‌زده است، حالا معلوم نیست که عارف از ساز زدن او خوشش نمی‌آمده و یا واقعاً خوب نوازنده‌ایی نبوده است. به هر صورت از

۱ - منظور عارف قزوینی شاعر آزادیخواه و وطن پرست زمان قاجاریه است.

ظاهر قضایا چنین بر می آید که چون عارف با سایر نوازندگان و شاهزاده‌های وقت، نشست و برخاست داشته است پیراه نگفته باشد.

و اما بشنوید از قلم عارف قزوینی دربارهٔ مرادخان:

«بنا شد میرزا علی اصغرخان (ملقب به اتابک اعظم) مرا خدمت قبلهٔ عالم (ناصرالدین شاه) ببرد تا دو لوله^(۱) هم گرامافون پر کنم.^(۲) رعبی از زیارت قبلهٔ عالم در دل من افتاد که اگر انسان با آن ترس به حضور خدا برود موقع بازگشت از هر چیزی بی نیاز است. خدمت رسیدیم، مرادخانی بود تارزن خلوت، که از اوّل ساختمان تار تا موقعیکه تار منسوخ شده و از بین برود، پنجه‌ایی پیدا نخواهد شد که در زدن ساز به این بدی این همه قدرت به خرج بدهد.^(۳) از طرفی شخص دیگری مشغول زدن نی انبان بود، خود اعلیحضرت هم لطف کرده بودند! پیانو می زدند. صدای این سازهای خارج و فالش و نامانوس گوش انسان را از شنیدن هر ساز خوب بیزار می کرد...

با همهٔ این تفاسیر، این حالت، بکری و استقلال خود را در گام ماهور به عنوان یک ملودی گوشنواز حفظ نموده است و قابل اجرا در درجات مختلف گام ماهور می باشد.

از جمله (درآمد - داد - دلکش - شکسته - حصار ماهور - راکها).

مرادخانی را آذربایجانی نیز گفته‌اند.

۱ - قبل از گسترش و پیشرفت سیستم‌های ضبط صدا به صورت امروزی ضبط صدا بر روی استوانه‌هایی مومی با نام استوانه‌های حافظ اصوات صورت می‌گرفت که طبیعتاً نمی‌توانست مطلوبیت و کیفیت ضبط و تجلی ساز و آواز باشد. «ن»

۲ - چنانچه عارف در یادنامهٔ خود اشاره کرده، دارای صدای گرم و دلنشینی بوده است. «ن»

۳ - چنانچه قبلاً گفته شد معلوم نیست مرادخان مورد نظر عارف واقعاً بد ساز میزده و یا مورد پسند عارف نیفتاده است. «ن»

۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ اوّل گام

۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ هشتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

از جمله گوشه‌هایی که منسوب به محل است گوشهٔ جغتائی است. جغتای نام یکی از بخشهای پنجگانهٔ شهرستان سبزوار است که از شمال به اسفراین و از خاور به دهستان طبس و حکم‌آباد شهرستان نیشابور محدود است همچنین شعبه‌ایی است از زبانهای ترکی مغولی، که بدان ترکی جغتایی نیز می‌گویند شاعر نامی هلالی جغتایی نیز از این محل برخاسته است. برای این گوشه از لحاظ وجه تسمیه دو شق می‌توان در نظر گرفت. اوّل اینکه:

چون در قدیم اکثر شعرا با موسیقی نیز آشنائی کامل داشتند و در بسیاری از ابیات آنها اصطلاحات و تشبیه‌های موزون موسیقائی را می‌بینیم و حتی از این هم فراتر رفته در بعضی مقاطع با صوت خوشی که داشته‌اند با الحان خوش و آهنگهای مناسب مکان خودشان، سروده‌های خویش را می‌خوانده‌اند، آهنگ و گوشهٔ جغتائی می‌تواند از آن دسته ملودیه‌ها باشد که احتمالاً به وسیلهٔ هلالی جغتائی خوانده می‌شده است دوّم اینکه: عموماً در ناحیهٔ جغتای، این ملودی جایگاهی ویژه داشته و دارد از آن جاییکه ساختار ملودی گوشهٔ جغتائی، اشعاری با بحر چهار پاره را می‌طلبد و می‌توان ملودی آن را در عموم درجات و پرده‌های دوگام مذکور (ماهور و سه‌گاه) پرورش داد، گسترهٔ ملودیک آن را تا اکتاو دو گام می‌توان ذکر کرد. در حال حاضر ملودی آن را در دستگاه ماهور و سه‌گاه اجرا می‌نمایند. نت شاهد آن در گام سه‌گاه درجهٔ سوّم است.

۱- نام گوشه : حربی

۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ اول گام

۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ هشتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

حرب نام قصبهٔ کوچکی است که در بین بغداد و تکریت واقع گشته است. (۱)
 یاقوت حمه‌ی گوید: در اقصای دجیل است، منسوجات نخی ضخیم آن شهرت یافته و
 برخی از دانشمندان بدانجا منسوبند.

چون ملودی آن ریتیمک بوده ($\frac{2}{4}$) و تحرک آور است و همچنین در دو دستگاه ماهور و
 چهارگاه (۲) روایت شده و قابل اجراست. می‌توان آن را نشئت گرفته از حالات جنگ و رزم که در
 ردیف جای باز نموده دانست. (۳)

حربی در ردیف به صورت رنگ آمده است. رنگهای ردیف انواع و اقسام دارند،
 مانند حربی که نوعی رقص جنگ است و رنگهایی همچون رنگ یک چوبه یا رقص چوبی که با
 آن قوچانیان و قشقائیان می‌رقصند. حربی هنوز هم با همین نام در بین مردم ایالت‌های ایران وجود
 دارد، «محتوای بسیار غنی این نوع رنگها باعث شده است که آنها با رنگهای بازاری متفاوت
 شوند» (۴).

نت شاهد آن در گام ماهور روی درجهٔ اول گام قرار داشته و می‌تواند گسترهٔ ملودی خود
 را تا حد اکتاو گام ماهور برساند و شاهد خود را روی تک تک درجات گام قرار دهد.

۱ - لغت‌نامهٔ دهخدا

۲ - با توجه به اینکه ملودیهای دو دستگاه ماهور و چهارگاه به ترتیب نشاط آور و تحرک آمیز هستند و اشتراکاً
 مسبب حرکت و انرژی می‌شوند. «ن»

۳ - چون بسیاری از گوشه‌های ردیف دستگاهها و زنجیرهٔ ردیف موسیقی سنتی منسوب به محلها هستند، آن را
 می‌توان منسوب به منطقهٔ حرب واقع در عراق فعلی دانست. «ن»

۴ - کتاب سال شیدا ص ۸۲. محمد رضا لطفی

- ۱- نام گوشه : نیریز صغیر و کبیر
 ۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ اوّل گام
 ۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ پنجم گام
 ۴- وجه تسمیه : توضیح در بخش راست و پنجگاه

در مورد وجه تسمیه و کلیهٔ مشخصات و ویژگی‌های آن در بخش راست و پنجگاه توضیح آمده عیناً آن را می‌توان در دستگاه ماهور نیز اجرا نمود.

فریدون فرّخ فرشته نبود
 به داد و دهش داشت این فرّهی
 به مشک و به عنبر سرشته نبود
 تو داد و دهش کن فریدون توئی

«فردوسی»

- ۱- نام گوشه : داد (داد آفرید)
 ۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ دوّم گام
 ۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ پنجم گام
 ۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

داستانی را حکیم طوس در شاهنامه روایت می‌کند که نقل آن ما را به علل نامگذاری گوشهٔ فوق رهنمون می‌سازد. فردوسی در مورد معرفی^(۱) باربد به حضور خسرو پرویز و راه‌یابی باربد به

۱ - روایتی از معرفی باربد به نزد خسرو نیز در کتب تاریخی ثبت است که گونه‌ایی دیگر است. (لباس سبز پوشیدن باربد و بالای درخت رفتن وی و نوازدگی کردن او که بر اساس همان روایت قطعهٔ نواخته شده به ←

دربار و رشک سایر نوازندگان درباری به وی، چنین می نویسد:

هنگامیکه بارید در نوروز در بهار به باغ رفت و دو هفته انتظار کشید تا اینکه شهریار از جشن گاه به ایوان آمد و برای تفرّج به باغ قدم گذاشت، بارید فرصت را غنیمت شمرد «رود» و یا «بربط» و یا «چنگ» ساز تخصصی خودش را برداشته و سرودی را بسیار نغز و دلکش بنواخت که همگان را مبهوت و خیره ساخت و این همان سرود است که اکنون ما به گوشه داد می شناسیم و از متن شعر شاهنامه چنین پیداست به لحاظ اینکه در طول زمان اسامی دستخوش بدعت‌ها و تغییراتی مبنی بر سلیقه‌ها می شده‌اند، سرود داد آفرید نیز فقط با نام «داد» در متون ادبی تاریخ ما وارد شده است و اکنون شاهدهی زنده در متن شاهنامه: (۱)

بدان باغ رفتی به نوروز شاه	دو هفته ببودی بدان جشن گاه
سبک بارید نزد مردوی شد	هم آن روز با مرد هم بوی شد
بر آن سرو شد بربط اندر کنار	زمانی همی بود تا شهریار
به ایوان بیامد از آن جشن گاه	بیاراست پیروز گر جای شاه
زننده بر آن سرو برداشت رود	همان ساخته پهلوانی سرود
یکی نغز، دستان بزد بر درخت	کز آن خیره شد مرد بیدار بخت
سرودی به آواز خوش برکشید	که اکنون تو خوانیش «داد آفرید»

ولی اگر امروزه ملودی گوشه فوق را بررسی کنیم می بینیم که حزنی خاص بر آن حکم فرماست و بعید به نظر می رسد که در طول زمان دستخوش انحراف ملودی و سلیقه نوازنده‌های مختلف نشده باشد. البته گوشه فوق روایتهای مختلف دارد که از جمله روایات گوشه داد که در ردیف زنده یاد میرزا عبدالله و موسی معروفی ثبت است و ملودی آن بیشتر می تواند با توضیحات وجه تسمیه انطباق داشته باشد. (۲)

نت شاهد آن روی گام مهور درجه دوم گام است و گستره ملودی آن تا درجه پنجم گام می رسد.

→ وسیله وی که در بین سی لحن بارید ثبت است با نام «سبز در سبز» در شاهنامه آمده است و علت نام گرفتن قطعه به این نام آن است که بارید لباسی سبز پوشیده و در میان سبزی درختان جای گرفت. «ن»

۱ - شاهنامه چاپ مسکو ص ۲۲۸-۹-۳۶۴۳

۲ - به این دلیل که با توجه به انگیزه اجرای بنیادی ملودی به وسیله بارید، قاعدتاً باید ملودی رنگ و فضایی شاد داشته باشد و نه محزون، و دقت در فضای ملودیک گوشه مذکور در ردایف نامبرده شده با توجه به اینکه

- ۱- نام گوشه : دو بیتی خرم آبادی « ۱۱ »
- ۲- محل قرار نت شاهد : درجه سوّم گام
- ۳- گستره ملودی تا : درجه پنجم گام
- ۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

چنانچه از نام گوشه هویدا است، از سری ملودی‌های محلی مناطق لرستان و خرم‌آباد را با شعر از نوع دو بیتی خوانده که به دو بیتی خرم‌آبادی شهرت دارد.

نت شاهد آن در گام ماهور روی درجه سوّم گام و گستره ملودی آن تا درجه پنجم می‌رسد.

- ۱- نام گوشه : راک عبدالله « ۱۲ »
- ۲- محل قرار نت شاهد : درجه سوّم گام
- ۳- گستره ملودی تا : درجه چهارم گام
- ۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

در شبیه خوانیهای زمان قاجار در تکیه دولت واقع در پایتخت هنگامیکه شبیه خوان، شبیه عبدالله بن حسن یکی از خویشان و یاران امام حسین را بازی می‌کرده^(۱) و در حین بازی اشعاری را با لحن راک در گام ماهور یا بیات ترک اجرا می‌کرده این نوع راک به راک عبدالله موسوم شده است.

ملودی آن بسیار حزین و سوزناک است. روایات مختلف در ردیفها از این گوشه وارد

شده است از جمله راک عبدالله که زنده یادان محمود کریمی و عبدالله دوامی در نوار خوانده‌اند راک عبدالله به روایت نامبردگان دارای نت شاهد در درجه پنجم گام همایون است و گستره آن از درجه پنجم تجاوز ندارد.

دلم شکستی و رفتی خلاف عهد موذت به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی

«سعدی»

۱- نام گوشه : شکسته ماهور (دشتی ماهور)^(۱) «۱۳»

۲- محل قرار نت شاهد : درجه سوّم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه پنجم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

در گام ماهور روی درجه سوّم گام حالتی از ملودی موجود است که در حقیقت پرده ماهور را شکسته و فضای آواز دشتی را در ذهن پدید می‌آورد و این حالت شکسته شدن گام ماهور، شکسته ماهور و تبدیل شدن به دشتی، دشتی ماهور گفته شده است. این حالت شکسته ماهور را نباید با «شکسته» که از درجه پنجم گام ماهور آغاز می‌شود اشتباه کرد.

از آستان پیر مغان سر چراکشیم دولت درین سرا و گشایش در این در است.

«حافظ»

«۱۴»

۱- نام گوشه : گشایش

۲- محل قرار نت شاهد : درجه چهارم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه پنجم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

به معنای باز شدن و فتح باب و حل شدن مشکلات در امور معنا می دهد. گوشه گشایش با ملودی‌ها و روایات مختلفی آمده است از جمله در ردیف میرزا عبدالله محمود کریمی - عبدالله دوامی و ... که در مقاطعی، استقلال ملودی آن به وضوح روشن نیست و اکثراً با ملودی گوشه داد بطور ترکیب شده و نامشخص ارائه شده است، اما در ردیف مکتب اصفهان گوشه «راست» قدیمی را می توان از لحاظ شباهت ملودیک با آن برابر دانست.

همچنین شباهت ملودیک گوشه گشایش با گوشه جامه دران نیز وجود دارد، چراکه هر دو گوشه دارای فضایی حُزن انگیز می باشد و در صورت با دقت اجرا نشدن در یکدیگر تداخل می نمایند. جایگاه شاهد آن روی گام ماهور درجه چهارم بوده و ملودی آن تا درجه پنجم گستره دارد.

۱- نام گوشه : حصار ماهور (پس ماهور)^(۱) «۱۵»

۲- محل قرار نت شاهد : درجه چهارم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه ششم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

یکی از گوشه‌هایی که در گام ماهور اجرا می‌شود، با نام مرگب «حصار ماهور» خودنمایی می‌کند. حصار خود یکی از گوشه‌های دستگاه چهارگاه بطور اخص و همچنین در بعضی موارد در دستگاه سه‌گاه بوده و ماهور هم نام یکی از دستگاه‌های هفت‌گانه موسیقی ایران است.

به علل برشمرده زیر این ملودی را حصار ماهور گویند:

۱- شباهت ملودیک گوشه حصار چهارگاه با این گوشه

۲- شباهت ملودیک و تبعیت ملودی از گام ماهور^(۲)

۳- شباهت قرارگیری روی درجه‌ایی از گام ماهور به صورتی که ملودی حصار در گام چهارگاه دارا می‌باشد.^(۳)

روی هم رفته به علل برشمرده فوق گوشه مذکور را حصار ماهور نامیده‌اند.

در نتیجه‌گیری کلی از این ملودی و با توجه به اینکه در بیشتر اوقات در هنگام فرود به زمینه

۱ - حصار ماهور را پس ماهور نیز می‌گویند. (قول استاد حسن کسائی) علت اطلاق آن به پس ماهور، شاید آن باشد که در حقیقت ملودی «حصار ماهور» حالتی ایجاد می‌کند که گوش شنونده تشنه شنیدن نتهای اولیه گام می‌شود و در حقیقت حالتی «پس‌گرد» دارد. «ن»

۲ - در اصل ملودی حصار ماهور تبعیت از گوشه کرشمه در ردیف ماهور می‌نماید و چون گوشه کرشمه خود در پرده درآمد ماهور تجلی می‌نماید، به همین دلیل شباهت ملودیک گوشه فوق به پرده ماهور قید گردید.

۳ - اگر در ملودی گوشه‌های حصار چهارگاه - نیشابورک یا نی شاورک در نوا و روح‌افزا در راست و پنجگاه دقت شود، از لحاظ علمی شباهت اشتراکی آنها را در می‌یابیم که گوشه‌های مذکور در آغاز و شروع ملودی از یک درجه بالاتر در محل شاهد خود مبنای ملودی دارند. «ن»

ماهور از این گوشه استفاده می‌کنند، می‌توان گفت نوعی زیرکش است برای رها شدن از قید درجهٔ چهارم گام، چرا که در هنگام پایان یافتن ملودی اشاره به درجهٔ ششم گام نموده و سپس روی درجهٔ اول گام فرود می‌آید.

«۱۶»

۱- نام گوشه : ماهور صغیر

۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ چهارم گام

۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ چهارم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

واژه‌های صغیر و کبیر در بسیاری از مقاطع ردیف موسیقی ایرانی وارد شده است.^(۱) در عُرف موسیقی قدیم اگر ملودی گوشه‌ایی در دانگ اول (۴ نت اولیه گام) قرار می‌گرفت به عنوان آن ملودی واژهٔ صغیر را اضافه می‌نمودند. همچنین اگر موقعیت یک ملودی در دانگ دوم یک گام قرار می‌گرفت آن واژهٔ مضاف را به کبیر تبدیل می‌نمودند. اگر از نقطه نظر علمی به گوشه‌هایی که در زنجیرهٔ ردیف با عنوانهای صغیر و کبیر از آنها یاد شده، نگاه کنیم، مسئله قرارگرفتن ملودی آن گوشه‌ها در دانگهای اول و دوم هر کدام به وضوح روشن است.

براساس استدلال فوق در قدیم نوعی از ملودی ماهور را در دانگ اول گام ماهور اجرا نموده و به ماهور صغیر موسوم ساخته‌اند.^(۲) از سوئی دیگر می‌توان گفت که علت اضافه کردن دو واژهٔ صغیر و کبیر به آخر بعضی از اسامی گوشه‌ها همیشه استدلال مذکور نبوده و در بعضی از

۱ - از آن جمله می‌توان از گوشه‌های زنگوله صغیر و کبیر - نیریز صغیر و کبیر - نوروز صغیر و کبیر - شکسته

کوچک و بزرگ نام برد. «ن»

۲ - ردیف میرزا عبدالله

مقاطع ردیف علت دیگری پیدا می‌کرده است.^(۱)
نت شاهد آن درجه چهارم گام ماهور و گستره ملودی آن در حد درجه اول تا چهارم گام
ماهور است.

«۱۷»

- ۱- نام گوشه: نیشابورک (نشابورک)
- ۲- محل قرار نت شاهد: درجه چهارم گام
- ۳- گستره ملودی تا: درجه پنجم گام
- ۴- وجه تسمیه: توضیح در متن

در مورد بررسی وجه تسمیه گوشه مذکور الزاماً به خلاصه‌ایی از شرح احداث دو شهر نیشابور و
نیشابور^(۲) می‌پردازیم.

تاریخ، ساسانیان را مبتکر اصول شهرسازی و معماری معرفی کرده است و احداث
شهرهای زیادی را به ویژه به شاهان اولیه ساسانی نسبت داده‌اند. شکی نیست که در آن زمان
رقابتی برای شهرسازی، ایجاد پل، کاروانسرا، معابد و آتشگاهها وجود داشته است. مؤسس این
سلسله اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۴) پس از کسب قدرت، پایتخت را از شهر مذهبی ابا و
اجدادی خود (استخر) به تیسفون منتقل کرد و در کنار آن شهر جدیدی به نام «به اردشیر» ساخت
که مجموعه سه شهر تیسفون و سلوکیه و به اردشیر را «شهرستان» می‌گفتند.

شاپور پسر اردشیر هم اقدام به ساختن مقر دیگری نمود و به تاسی از پدر خود به آن نام
«به شاپور» نهاد، زیرا اصولاً شاهان ساسانی برای ارضای جاه طلبی خود نام خود را بر

۱ - مانند تحریرهای کوچک و بزرگ در گوشه حسینی شور که استبدال ذکر شده شامل آن نمی‌شود. «ن»

۲ - شهرهای ایران ج (۲) به کوشش محمد یوسف کیانی

شاپور و نیشاپور و نیشاپور بندست ما رسیده و ماندگار شده است.

بهاروی نام این شهر به صورت نیشاپور به معنای شاپور پهلوان آمده است که بعدها به صورت همان جای آن شهر را فرمود ساختن و چنانچه دیده می شود در قسمت دیگری از کتاب متن های در «شهرستان نیشاپور را شاپور پسر اردشیر ساخت. به آنگاه که پالیزی تور را بگشت و در

کتاب (متن های پهلوی) چنین آمده است:

دارنده جلال و شکوه است و هم اکنون بخشی از شهر نیشاپور (ریوند) خوانده می شود و نیز در نام نیشاپور در کهن ترین دفتر ایرانی «اوستا» به گونه «زیونت» آمده است که به معنای

تفسیر اول وجه تسمیه نیشاپوری

نیشاپور گذرانیم، تعابیر دیگری به نظر می رسد که ذیلاً به شرح آن می پردازیم:

ب) تبدیل به حرف (ن) شده باشد، و الا اگر بنا را بر پیوستگی و ارتباط گوشه مذکور با شهر گذاشت، نیشاپوری (بوده باشد و بعداً در زنجیره ردیف به علت معروفیت شهر نیشاپور، حرف پر داخته شد که به نظر می رسد نام گوشه مورد بحث ما یعنی (نیشاپوری) در سالهای بسیار دور گذشت زمان به (نیشاپور) تبدیل شده است. تنها به این علت به وجه تسمیه شهر نیشاپور نهایتاً بر اساس تصور و سیر تعبیری کلمات در بستر زبان فارسی (به شاپور) پس از

دین یا نهندین) و یا (وه هر مزید) که نام یکی از قصبات معروف دوره ساسانی بوده است. و در مورد نیشاپور و نیشاپور (وه) به معنی تکی در بستاری از نامهای پهلوی آمده است مانند مانند (وه) اسم گاهی مثنی شرافت طفل باشد، مانند شاپور و یا حاکی از فال تکی است مانند به القاب می نویسد:

در این مورد که مستند سن دانشمند فقید دانمارکی در کتاب ایران در زمان ساسانیان راجع

بجز - و به شاپور) شهرهای خالی تو خه که «هم نام» جو دشان بوده اطلاعی می دهند مانند (به اردشیر - به قباد - به بنابر این وجه تسمیه نیشاپور در ردیف نام شهرها می باشد که پادشاهان ساسانی برای شهرها تکی سازنده آن بودند می گذارند.

اما پیوند خوردن این نام با موسیقی ایران بی رابطه نبوده، به صورتیکه امروز به صورت گوشه‌ایی معروف به ردیف موسیقی آوازی و سازی ایران پیوند خورده است.

علت پیوند خوردن آن چند مسئله می‌تواند باشد:

۱- از آن جائیکه در ایران باستان به یمن و سپاس و شکرگذاری از آبادانیها و پیروزیها سرودها و آهنگهایی ساخته و پرداخته و خوانده می‌شده است، چنین به نظر می‌رسد که در زمان احداث شهر نیشاپور یا نیشابور، به وسیله مغنیان آن مقطع سرود و آهنگی خلق شده باشد که بقایای آن با تغییر ملودیک، امروزه بانام گوشه نیشابور یا نیشابورک خودنمایی می‌کند.

۲- از آن جائیکه این واژه در بستر رود خروشان سخن، دگرگون شده است و در زبان پهلوی به گونه (رای اومند) خوانده شده است که بخش نخست آن همان «رای» است و بخش دیگر آن «اومند» است و اومند در زبان پهلوی و نیز در فارسی دری به معنای پسوند مالکیت است و در گزارش‌های پهلوی اوستا^(۱) این نام به گونه صفت برای اهورمزدا (خداوند جان و خرد) آمده است، و از همین جا بایستی سنجید که ارزش این شهر تا چند بوده است که نام آن چون صفتی برای خداوند بکار می‌رفته است و در اوستا از آن یاد شده است.

چون قسمت اعظم نیایش‌های موجود در اوستا در غالب سرودهایی است و به احتمال قریب به یقین در بخشی از سرودهای اوستائی آنجائیکه لفظ (خداوند جان و خرد) در زبان می‌آمده در آتشکده‌ها و مراسم، ملودی مورد نظر امروزی ما به گونه‌ایی دیگر چاشنی کلام آنها بوده و هست.

تعبیر دوّم وجه تسمیه نیشابورک - براساس نظریه منتسب بودن بسیاری از گوشه‌های موجود در ردیف موسیقی به شهرهای ایران، گوشه نیشابورک نیز در این چهارچوب قرار گرفته و ملودی آن میتواند به یکی از دهستانهای استان خراسان واقع در حوالی شهرستان سرخس وابستگی داشته باشد. به هر صورت در حال حاضر گوشه نیشابورک یا نی شاورک را در دستگاه‌های مهور و نوا و آوازهای بیات ترک - افشاری - اجرا می‌نمایند.

۱ - در اوستا آمده است: به نام دادار اورامزد رای اومند خوره اومند (فره‌مند) و... شهرهای ایران ج (۲) به

در هر گام که اجرای نیشابورک انجام شود، نوعیت ملودی آن چنین ایجاب می‌کند که خواننده یا نوازنده باید به یک نت بالاتر از نت شاهد آن اشاره نموده و فرودی روی نت شاهد آن داشته باشد. نت شاهد آن در دستگاه نوا روی درجهٔ سوّم گام بوده و گسترهٔ ملودی تا درجهٔ پنجم گام است. نت شاهد آن در آواز بیات ترک درجهٔ چهارم گام بوده و گسترهٔ ملودی تا درجهٔ ششم گام می‌رسد. همچنین در گام آواز افشاری درجهٔ سوّم گام را اشغال و تا درجهٔ پنجم گام گسترهٔ ملودی دارد.

بکن معامله‌ایی وین دل شکسته بخر که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

«حافظ»

«۱۸»

۱- نام گوشه : شکسته

۲- محل قرار نت شاهد : درجه پنجم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه هشتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

«در لغت به معنای مکسور و خرد شده است»^(۱) و به احتمال قریب به یقین واژه‌هایی همچون حال، خاطر، دل، شدن، بخت، پشت ... و از این قبیل که مجموعاً با واژه شکسته صفات خاصی را سبب می‌شوند، مضاف با واژه شکسته، مد نظر بوده و هست، چرا که ملودی گوشه فوق با سوز و حزنی که دارد، دلالت بر صفات مذکور است. به تعبیری دیگر، چون در پرده ملودی گوشه شکسته، حالت انکسار و آزرده‌گی و پریشانی و رنجوری، تبلور و تجلی خاص دارد، این پرده را شکسته نامیده‌اند.

تعبیر دوم «در اصطلاح موسیقی، قدامت تغییر پرده‌ایی به پرده دیگر را شکستن پرده می‌گفتند» به عبارتی تغییر پرده موسیقی برای تحویل زمینه‌ایی به زمینه‌ایی دیگر.

چون اجرای گوشه فوق در آوازا و دستگاه‌های معمول و مرسوم، باعث شکستن فواصل گام و تغییر زمینه به زمینه‌ایی دیگر می‌شود، شکسته نامیده شده است مثلاً: مانند اجرای گوشه شکسته در آواز بیات ترک و ورود به افشاری و یا ماهور به افشاری.

۱- نام گوشه: فیلی «۱۹»

۲- محل قرار نت شاهد: درجه پنجم گام

۳- گستره ملودی تا: درجه پنجم گام

۴- وجه تسمیه: توضیح در متن

«فیل» یا «فیلی» به چند ناحیه از نواحی مختلف ایران اطلاق شده است:

۱- شهر و ولایت خوارزم را می‌گفته‌اند و آنرا در ابتدا فیل و بعدها منصوره خوانده‌اند و اکنون گرگانج^(۱) گویند.

۲- همچنین فیل دهی است کوچک از دهستان میانرود علیا از بخش نور شهرستان آمل که دارای ۱۰ تن سکنه است.^(۲)

۳- یکی از طوایف قشقایی ایران که مرکب از ۱۵۰ خانوار و مسکن آنها در اطراف شیراز است.^(۳)

۴- ده کوچکی است از دهستان صفائیه از بخش هندیجان شهرستان خرمشهر که دارای ۵۰ تن سکنه است.

پس در مجموع می‌توان آنرا آهنگی دانست که در یکی از مناطق نامبرده شده فوق می‌خوانند. در پاره‌ایی مواقع به فیلی، فعلی هم می‌گویند که با توجه به توضیحات گفته شده واژه فعلی غلط می‌باشد.

ساختار ملودی فیلی به گونه‌ای است که آن را می‌توان تمرینی برای دانگ اولیه گام ماهور دانست، چرا که از درجه اول گام به صورت پله‌ای به طرف درجه پنجم گام حرکت کرده و سپس به نت شاهد ماهور مراجعت می‌کند.

۱- گمان می‌رود که همین گرگان فعلی باشد. «ن»

۲ و ۳ و ۴- تعداد سکنه هر کدام از محلها با احتمال قریب به یقین در تاریخ و عصر ما بیش از این رقم می‌باشد. «ن»

هوا خوش است و چمن دلکش است و می بیفش کنون به جز دل خوش هیچ در نمی آید

«حافظ»

«۲۰»

۱- نام گوشه : دلکش

۲- محل قرار ن ت شاهد : درجه پنجم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه ششم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

از آنجائیکه در جای جای ردیف موسیقی ایرانی از واژه‌هایی (صفت گونه) جهت نامگذاری بسیاری از گوشه‌ها استفاده شده است و یکی از علل این نامگذاری‌ها را می‌توان سلیقه‌ها و حالات مقطعی نوازندگان و خوانندگان و وجود آورنگان ملودی‌ها و نغمات ایرانی دانست، چرا که بعضی اوقات یک واژه چنان باری معنوی در خود دارد که به راحتی می‌تواند مبین حالات القائی یک نغمه و یک آهنگ باشد. گوشه دلکش از جمله همان آهنگهاست که با ساختاری که در ملودی خویش نهفته دارد به راستی دلکش و دل‌انگیز است.

گوشه‌هایی از این دست در زنجیره ردیف موسیقی کم نیست. برای مثال می‌توان از گوشه‌های (مویه - حزین - جور - بیداد - کرشمه و...) یاد کرد.

ملودی دلکش از لحاظ شباهت با سلمک شور و زابل سه گاه قابل مقایسه است.

- «۲۱»
- ۱- نام گوشه : کرشمه در دلکش
 - ۲- محل قرار نت شاهد : درجه پنجم گام
 - ۳- گستره ملودی تا : درجه ششم گام
 - ۴- وجه تسمیه : توضیح در بخش کرشمه

راجع به کرشمه به عنوان اولین گوشه ماهر در صفحات گذشته توضیح آمد در صورت اجرای کرشمه در ملودی دلکش، ملودی دلنشین و ضربی پدید می‌آید که آن را کرشمه در دلکش می‌گویند.

- «۲۲»
- ۱- نام گوشه : خاوران (طرب‌انگیز)^(۱)
 - ۲- محل قرار نت شاهد : درجه پنجم گام
 - ۳- گستره ملودی تا : درجه هفتم گام
 - ۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

چنانچه در فرهنگ اوستا نیز آمده است، خراسان و خاوران هر دو از ریشه «خورآسان» و «خورآوران» به معنای جایی که خورشید به آسانی از آن سمت پدیدار می‌شد و جهتی که خورشید از آن سوی آورده می‌شده و به عبارتی همان مشرق معنا می‌داده است و گوشه اطلاق

۱ - در ردیف ابوالحسن صبا خاوران با نام طرب‌انگیز ثبت شده است. به نقل از: کتاب واژه‌نامه موسیقی ایران

با نام خاوران در ردیف، اشاره به فرهنگ آوازی شرق و بلاد مشرق دارد و چنانچه در حال حاضر یکی از توابع استان خراسان (نزدیک مشهد) قریه خاوران می باشد.

از طرفی ضمن انتساب گوشه به آن محل به احتمال قریب به یقین پرستش خورشید و آتش و سنا (روشنی) در مذهب زرتشت و کتاب مقدس او (اوستا) در قالب سرودهایی با این ملودی مورد نظر بوده است. البته ملودی مورد نظر امروزی ما ممکن است دستخوش تغییراتی شده باشد. گوشه مذکور با توجه به فضای ملودی آن قابل اجرا در گام نوا نیز می باشد. در واقع هنگام خواندن و نواختن گوشه مذکور به نوائی وارد می شویم که نت تیک آن درجه پنجم گام آن ماهور می باشد.

«۲۳»

۱- نام گوشه : کرشمه در خاوران

۲- محل قرار نت شاهد : درجه پنجم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه هفتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

قبلاً دریافتیم که قدما اجرای شعر با بحر (مفاعیلن فعلاتن) را با ملودی بخصوصی در گامهای دستگاهها و آوازهها کرشمه می گفتند و نیز گفتیم که به غیر از تجلی ملودی کرشمه در گامهای دستگاهها، می تواند در بسیاری از گوشهها نیز دخالت داشته و آهنگی نو و بدیع خلق نماید.

یکی از تجلیات کرشمه را می توان در ملودی خاوران جستجو کرد.

«۲۴»

۱- نام گوشه : خسروانی

۲- محل قرار نت شاهد : درجه پنجم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه ششم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

آنچه که امروز به نام هفت دستگاه خوانده شده در قدیم خسروانی‌ها نام داشته است. چنانچه حکیم طوس نیز از آن در شاهنامه بسیار یاد کرده است.

«این واژه اگر در مورد اشخاص به کار رود معنای نیکنامی می‌دهد و در عرف موسیقی به معنای «سروده نیک» یا آواز خوش می‌باشد»^(۱)

در بعضی از رسالات موسیقی خسروانی را سرودهای مسجع نیز نامیده‌اند و گویند که از اختراعات باربد^(۲) بوده است و آن سرودها به صورت نثری بود مشتمل بر دعا و ثنای خسرو گویند مطلقاً نظم در آن به کار نرفته بود.

گوشه خسروانی موجود در ردیف به یقین ملهم از مجموعه خسروانیات زمان ساسانیان بوده و در حال حاضر در دستگاه ماهور این گوشه قابل اجراست و درجه پنجم گام ماهور را به شاهد خود اختصاص داده و گستره ملودی آن تا درجه ششم گام می‌رسد.

۱ - زمینه شناخت موسیقی ایران ص ۸۸ و ۸۹ گزارش فریدون جنیدی

۲ - بهبلد یا فهبلد یا باربد (بزرگ بار) (اجازه حضور) موسیقیدان معروف دربار خسرو پرویز را گویند. اصل وی از جهرم فارس بوده و در فن بربط نوازی و در دانش موسیقی نظیر نداشته است.

- ۱- نام گوشه : خوارزمی
- ۲- محل قرار نت شاهد : درجه پنجم گام
- ۳- گستره ملودی تا : درجه هشتم گام
- ۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

ابو عبدالله محمد بن موسی الخوارزمی، دانشمند ریاضی دان قرن سوم بود که در روزگار سامانیان می زیست و بیشتر آثارش به زبانهای اروپائی ترجمه شده است و بعضی از تألیفات او عبارتند از: المختصر فی حساب - الجبر و المقابله و کتاب حساب که اصل عربی آن در دست نیست و ترجمه لاتین آن موجود است. نامبرده محاسبات و فعالیتهایی نیز در علم موسیقی داشته است. شاید بعضی از فواصل و گامهایی را که خوارزمی بر اساس قوانین مرسوم قبل از خود تغییراتی داده بود، حالاتی را در گام بزرگ سبب می شد که بعدها به خوارزمی موسوم گشت. همچنین نام ناحیه ایی است از جمهوری ترکمنستان فعلی که سابقاً به سرزمین خوارزم شهرت داشت. این منطقه تا قبل از قرارداد ۱۲۹۹ جزء خاک ایران محسوب می شد و در دوران صفویه به وسیله حکومت مرکزی، بخشی از کردها در این منطقه اسکان داده شدند به احتمال قریب به یقین، آهنگهایی که به وسیله ساکنین این منطقه از ایران ساخته و پرداخته می شد، خوارزمی گفته اند.^(۱)

در بعضی از رسالات موسیقی^(۲) این گوشه را از اضافات آقا حسین قلی نوازنده زبردست تار در زمان قاجاریه دانسته اند.

۱ - قبلاً در بخشهای گذشته و وجوه تسمیه بعضی از گوشه ها که منتسب به شهرها بودند توضیح آمد که در قدیم تمامی ولایات و شهرهای ایران بزرگ آهنگهای مخصوص به خود داشته اند و طبیعتاً منطقه خوارزم نیز از این قاعده جدا نبوده است. «ن»

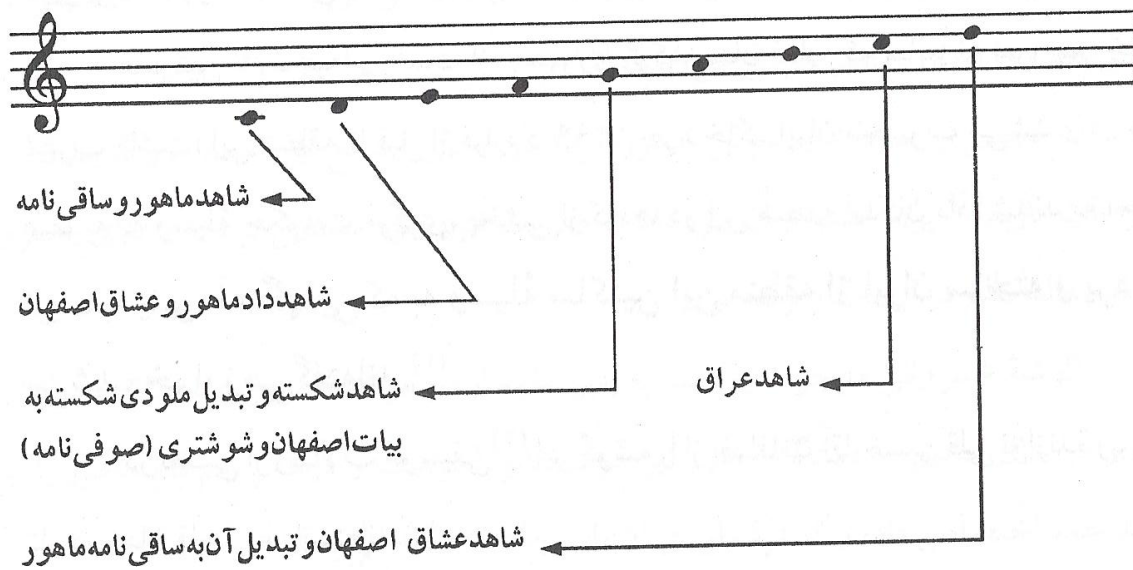
۲ - ردیف آقا حسین قلی - (دستور مقدماتی تار و سه تار سال دوم هنرستان موسیقی ملی)

۲- محل قرار نت شاهد : درجه پنجم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه هشتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

در صورتیکه ملودی ساقی نامه را بر اساس درجه پنجم گام ماهور (شاهد گوشه شکسته) شکل داده و نهایتاً در همان درجه ملودی را تبدیل به آواز بیات اصفهان و به تعبیری آواز شوشتری نمایم، این تبدیل گام (بزرگ) به گام (کوچک) را صوفی نامه گفته‌اند و به قولی این عمل را می‌توان به مدولاسیون نیز تعبیر نمود. به شکل توجه کنید:



در صورتیکه برای خواندن ساقی نامه و رجوع به صوفی نامه، روند گفته شده بالا را اجرا

کنیم، برای برگشت به ساقی نامه و ماهور، راههای مختلفی وجود دارد که در صفحه بعد به دو

مورد آن اشاره می‌شود:

۱- برگشت از طریق ملودی صوفی نامه به ساقی نامه (شکسته ماهر به درآمد).

۲- گذر از درجه پنجم گام ماهر و رسیدن به نت اکتا گام ماهر و نهایتاً دسترسی به نت تونیک

ماهور و ساقی نامه.

توضیحی که در مورد دوّم ضروری است، آن است که باید: اولاً روی درجه پنجم گام

ماهور فوق الذکر (شوشتری - شکسته) را شاهد بیات اصفهانی فرض نمود که آن بیات اصفهان از

درجه پنجم گام ماهر شروع شده باشد.

در نتیجه درجه پنجم گام بیات اصفهان (شاهد عشاق) با درجه دوّم گام ماهر (شاهد داد)

منطبق می شوند. بنابراین به سهولت می توان با تبدیل ملودی عشاق به گوشه داد ماهر،

دسترسی به ملودی ساقی نامه پیدا نمود.

صوفی نامه را در حال حاضر در ادامه ساقی نامه در دستگاههای نامبرده شده اجرا

می کنند. نت شاهد آن در گام ماهر درجه پنجم گام است.

نت شاهد آن در گام همایون درجه پنجم گام است. (۱) نت شاهد آن در گام بیات اصفهان

درجه اول گام است.

نه من از دست نگارین تو مجروحم و بس که به شمشیر غمت گشته چو من بیارند

«سعدی»

«۲۷»

۱- نام گوشه: کشته مرده

۲- محل قرار نت شاهد: درجه پنجم گام

۳- گستره ملودی تا: درجه پنجم گام

۴- وجه تسمیه: توضیح در متن

در صورتیکه ملودی صوفی نامه را تبدیل به سه گاه کنیم ما حاصل آن وجود ملودیک قطعه‌ایی است که قدام آن را کشته مرده گفته‌اند.^(۱)

در مقایسه با اجرای صوفی نامه و برگشت آن به ساقی نامه قدری مشکل تر می‌نماید. طرز عمل آن بدین صورت است که ساقی نامه شروع شده از تونیک ماهور را خوانده و سپس وارد به صوفی نامه می‌شویم (خواندن ملودی ساقی نامه از نت شکسته) سپس از نت شاهد شکسته ماهور، سه گاهی را می‌خوانیم، که زابل سه گاه و شکسته در نت شاهد مشترکند.

پس از خواندن سه گاه، مخالف سه گاه مربوطه را می‌خوانیم، در واقع مخالف سه گاه شاهد درآمد ماهور نیز هست. بنابراین برگشت به صوفی نامه از طریق مذکور را به صورت بالعکس انجام می‌دهیم. به شکل صفحه بعد توجه کنید:

۱ - مبانی اتنوموزیکولوژی، محمد تقی مسعودیه ص ۱۲۱

شاید علت اطلاق کلمه کشته به ملودی مذکور آن است که گام ماهور با ظهور گام سه گاه، کشته می‌شود و دیگر وجود و تجلی ملودیک ندارد. «ن»

شاهد مخالف سه گاه

شاهد ماهرور

شاهد شکسته ماهرور و زابل سه گاه

شاهد سه گاه (باعرضی ۲)

تبدیل شکسته به زابل و سه گاه = صوفی نامه

مطربا پرده بگردان و بز ن راه عراق که بدین راه بشد یار و ز ما یاد نکرد

«حافظ»

«۲۸»

۱- نام گوشه : عراق

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه دهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

«آراک یا ایراک که بعدها به عراق (معرب آراک) تبدیل گردید در اصل نامی ایرانی و بخشی از ایران است که سیاست انگلستان سالها پیش آن را از ایران جدا کرده است»^(۱)

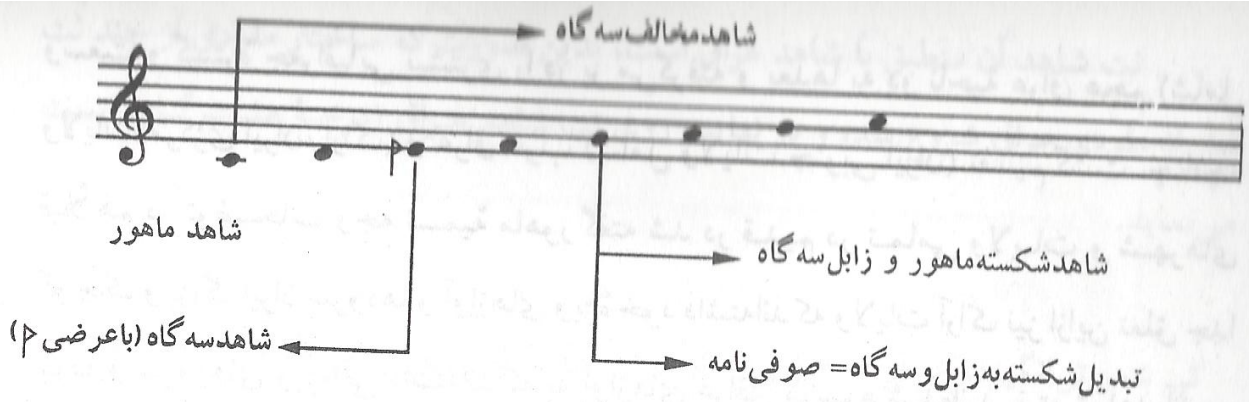
عراق مقام نهم از دوازده مقام اصلی قدیم بوده است ولی در روزگار ما عراق یکی از گوشه‌های آواز افشاری و دستگاههای ماهرور و نوا و راست و پنجگاه است. عراق آوازی است با ملودی پرهیمنه و با ابهت که هم پرده با خود، گوشه‌های^(۲) دیگری را به صورت همسایه در کنار دارد گوشه‌هایی که در بعضی اوقات اجزاء لاینفک عراق محسوب می‌شوند.

بنابر توضیحاتی که جهت واژه عراق داده شد این ناحیه از خاک ایران در قدیم طبیعتاً

۱ - زمینه شناخت موسیقی ایران ص ۵۳ فریدون جنیدی

۲ - حزین - نهیب - محیر - زنگوله - راک - راک کشمیر - اینها همه گوشه‌هایی هستند که گوشه عراق برای آنها بنیاد

و زیر بنا محسوب می‌شود. «ن»



مطربا پرده بگردان و بزین راه عراق
 که بدین راه بشد یار و ز ما یاد نکرد

«حافظ»

«۲۸»

۱- نام گوشه : عراق

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه دهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

«آراک یا ایراک که بعدها به عراق (معرب آراک) تبدیل گردید در اصل نامی ایرانی و بخشی از ایران است که سیاست انگلستان سالها پیش آن را از ایران جدا کرده است»^(۱)

عراق مقام نهم از دوازده مقام اصلی قدیم بوده است ولی در روزگار ما عراق یکی از گوشه‌های آواز افشاری و دستگاههای ماهرور و نوا و راست و پنجگاه است. عراق آوازی است با ملودی پرهیمنه و با ابهت که هم پرده با خود، گوشه‌های^(۲) دیگری را به صورت همسایه در کنار دارد گوشه‌هایی که در بعضی اوقات اجزاء لاینفک عراق محسوب می‌شوند.

بنابر توضیحاتی که جهت واژه عراق داده شد این ناحیه از خاک ایران در قدیم طبیعتاً

۱ - زمینه شناخت موسیقی ایران ص ۵۳ فریدون جنیدی

۲ - حزین - نهیب - محیر - زنگوله - راک - راک کشمیر - اینها همه گوشه‌هایی هستند که گوشه عراق برای آنها بنیاد

و زیر بنا محسوب می‌شود. «ن»

وسعت و گستره جغرافیایی بیشتری را در بر می‌گرفته و بعدها به دو ناحیه عراق عجم (شامل ولایات مرکزی ایران، اراک) و عراق عرب (شامل ولایات جنوبی ایران) تقسیم گشت. چنانچه قبلاً هم در توضیحات وجه تسمیه ماهور گفته شد در قدیم در تمامی ولایات و شهرهای کوچک و بزرگ ایران سرودها و آوازهای ویژه خود داشته‌اند که ولایات آراک نیز از این تعلق جدا نبوده و سرودهای ویژه‌ای داشته‌اند که به آوازهای عراقی موسوم شده‌اند. نت شاهد آن در دستگاه ماهور روی درجه هشتم گام بوده و گسترش آن را می‌توان تا درجه دهم گام ماهور ذکر کرد.

اگر نه باده غم دل زیاد ما ببرد نهیب حادثه بنیاد ما زجا ببرد

«حافظ»

«۲۹»

۱- نام گوشه : نهیب

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه هشتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

معنای لغوی نهیب فریاد بلند با لحن خشن است. از جمله گوشه‌های مستتر در متن ملودی عراق حالتی است با وقار و شوکت خاص که بیشتر چنانچه از معنای نهیب آشکار است، لحن حماسی و خطاب گونه آمیخته با خشم و غضب دارد و موارد کاربرد آن در نبردها و نزاعهای تن به تن بوده است، چرا که در قدیم و حتی روزگار ما، معمولاً حریف برای از میان بدر بردن دشمن به تولید یکسری صداهای توأم با حرکاتی^(۱) نموده و بدینوسیله روحیه دشمن را تضعیف و متقابلاً روحیه خود را تشجیع می‌نماید.

۱ - بهترین مصداق این مسئله صداهایی است که افراد رزمی کار در حین انجام تمرینات و یا عملیات ورزشی

از خود بروز می‌دهند. «ن»

نت شاهد آن منطبق با شاهد عراق است، بدین صورت که ساختار ملودی از چند نت قبل از ملودی عراق شروع شده و در نهایت روی نت شاهد عراق (درجه هشتم گام) ایست می‌نماید.

کی شعر تر انگیزد، خاطر که حزین باشد یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد. «حافظ»

«۳۰»

۱- نام گوشه : حزین

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه نهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

واژه حزین به معنای غمناک و اندوهگین بوده و ملودی آن دارای حزن و اندوه است و در پرده‌های مختلف از دستگاهها و آوازا نواخته و خوانده می‌شود.

از جمله مقاطع اجرائی آن در آواز بیات راجع - عشاق - عراق می‌باشد. در اجرای گوشه

حزین در پرده عراق نت شاهد آن منطبق با نت شاهد عراق و روند ملودی آن تا درجه نهم گام ماهر است.

وسعت و گستره جغرافیایی بیشتری را در بر می‌گرفته و بعدها به دو ناحیه عراق عجم (شامل ولایات مرکزی ایران، اراک) و عراق عرب (شامل ولایات جنوبی ایران) تقسیم گشت. چنانچه قبلاً هم در توضیحات وجه تسمیه ماهور گفته شد در قدیم در تمامی ولایات و شهرهای کوچک و بزرگ ایران سرودها و آوازهای ویژه خود داشته‌اند که ولایات آراک نیز از این تعلق جدا نبوده و سرودهای ویژه‌ایی داشته‌اند که به آوازهای عراقی موسوم شده‌اند. نت شاهد آن در دستگاه ماهور روی درجه هشتم گام بوده و گسترش آن را می‌توان تا درجه دهم گام ماهور ذکر کرد.

اگر نه باده غم دل زیاد ما ببرد نهیب حادثه بنیاد ما زجا ببرد

«حافظ»

«۲۹»

۱- نام گوشه: نهیب

۲- محل قرار نت شاهد: درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا: درجه هشتم گام

۴- وجه تسمیه: توضیح در متن

معنای لغوی نهیب فریاد بلند با لحن خشن است. از جمله گوشه‌های مستتر در متن ملودی عراق حالتی است با وقار و شوکت خاص که بیشتر چنانچه از معنای نهیب آشکار است، لحن حماسی و خطاب گونه آمیخته با خشم و غضب دارد و موارد کاربرد آن در نبردها و نزاعهای تن به تن بوده است، چراکه در قدیم و حتی روزگار ما، معمولاً حریف برای از میان بدر بردن دشمن به تولید یکسری صداهای توأم با حرکاتی^(۱) نموده و بدینوسیله روحیه دشمن را تضعیف و متقابلاً روحیه خود را تشجیع می‌نماید.

۱- بهترین مصداق این مسئله صداهایی است که افراد رزمی کار در حین انجام تمرینات و یا عملیات ورزشی

از خود بروز می‌دهند. «ن»

نت شاهد آن منطبق با شاهد عراق است، بدین صورت که ساختار ملودی از چند نت قبل از ملودی عراق شروع شده و در نهایت روی نت شاهد عراق (درجه هشتم گام) ایست می‌نماید.

کی شعر تر انگیزد، خاطر که حزین باشد یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد. «حافظ»

«۳۰»

۱- نام گوشه : حزین

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه نهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

واژه حزین به معنای غمناک و اندوهگین بوده و ملودی آن دارای حزن و اندوه است و در پرده‌های مختلف از دستگاهها و آوازاها نواخته و خوانده می‌شود. از جمله مقاطع اجرائی آن در آواز بیات راجع - عشاق - عراق می‌باشد. در اجرای گوشه حزین در پرده عراق نت شاهد آن منطبق با نت شاهد عراق و روند ملودی آن تا درجه نهم گام مهور است.

در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب یا رب مباد آنکه گدا معتبر شود

«حافظ»

«۳۱»

۱- نام گوشه : محیر

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه نهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

واژه محیر بر (وزن مصدق) به معنای دارای حیرت و حیرت‌انگیز است^(۱) حالتی از ملودی است که در پرده عراق خوانده می‌شود. آغاز ملودی آن از چند نت قبل از شاهد عراق است و به صورت تحریرهای پله‌ایی مقطع (سه‌گانه) ملودی خود را بر شاهد عراق منطبق می‌نماید.

۱ - طمطراق و هیمنه و شکوهی که در بطن ملودی نهفته است، به نوعی حیرت‌انگیز است و شاید یکی از

دلایل نام‌گذاری این گوشه بر این اساس بوده است. «ن»

۱- نام گوشه : زنگوله «۳۲»

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه نهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در بخش دستگاه راست و پنجگاه

توضیح وجه تسمیه گوشه زنگوله در بخش دستگاه راست و پنجگاه آمد. از لحاظ نت شاهد روی درجه هشتم گام قرار دارد و معمولاً پس از خواندن گوشه عراق و گوشه‌های^(۱) منتسب به عراق خوانده شده و فرود نهایی را انجام می‌دهند روند ملودی آن را می‌توان به اندازه گام ماهور دانست.

۱- نام گوشه : اصفهانک «۳۳»

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه دهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

تصغیر واژه اصفهان، اصفهانک بوده و به عبارتی دیگر اصفهان کوچک معنی می‌دهد. یاقوت حموی گوید: «اصفهانک قصبه کوچکی است در طریق اصفهان، و اکنون این شهرک در حکم قریه بزرگی باشد».

۱ - روی درجه هشتم گام ماهور گوشه عراق به عنوان یک گوشه اصلی و بنیادین قرار گرفته و یکسری گوشه‌ها (حزین - محیر - نهیب - زنگوله و...) به عنوان گوشه‌های فرعی خوانده می‌شوند. «ن»

در حال حاضر نام گوشه‌ایی است که در دستگاه ماهر پس از عراق می‌خوانند به صورتی که می‌توان گفت تلفیقی از ملودی گوشه عراق و بیات اصفهان است. (۱)
نت شاهد آن درجه هشتم گام ماهر منطبق با نت شاهد عراق بوده و روند ملودی آن تا درجه دهم گام ماهر می‌رسد. به تعبیری دیگر می‌توان گفت اصفهانک، بیات اصفهانی است که از درجه هشتم گام ماهوری آغاز شود. (۱)

تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

«حافظ»

«۳۴»

۱- نام گوشه : سروش

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه هشتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

سروش به معنای ندای غیبی می‌باشد فقط در ردیف آوازی علی نقی وزیری ثبت شده است چرا که این گوشه از اضافات خود وی می‌باشد ملودی و آهنگ سروش حالتی را سبب شده است که گام بزرگ (ماژور) برای لحظه‌ایی مقطعی تبدیل به گام کوچک (مینور) می‌شود و سپس مجدداً رجعت می‌نماید. در حقیقت می‌توان آن را کلیدی مفروض داشت برای مدولاسیون (رفت و برگشت از گام بزرگ به کوچک) - به تعبیری می‌توان آن را «پیش درآمد و زمینه‌ایی دانست برای آواز راک». (۲)

۱ - به عبارتی هم مایه یا ماهر

۲ - آوازشناسی علی نقی وزیری ص ۶۰

«۳۵»

- ۱- نام گوشه : راک هندی
- ۲- محل قرار نت شاهد : درجهٔ هشتم گام
- ۳- گسترهٔ ملودی تا : درجهٔ دوازدهم گام
- ۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

«واژهٔ راگا از مصدر رانج (RANJ) که به معنی رنگ کردن یا قرمز کردن است مشتق شده است. راگا را می‌توان فریبندگی یا جذابیت، ترجمه نمود. مفهوم راگا در مأخذ قدیم هندوستان تحت سه ویژگی تشخیص پیدا می‌کند.

- ۱- ترکیب صوتی و تأثیرگذاری یا انعکاس آن بر موزیکالیته افراد
 - ۲- استفاده از فیگوورهای مشخص ملودی
 - ۳- قابلیت یا امکان شادی بخشیدن به روح انسان
- تفسیرهای امروزی برای واژهٔ راگا در مجموع، بر همان تعاریف قدیمی استوارند با این تفاوت که امروزه بر جنبه‌های روان‌شناسی آنها تأکید می‌شود.
- از جملهٔ این تعاریف:

راگا ترکیبی از اصوات متوالی است که بر اساس قواعد خاصی تثبیت شده و با حالات درونی فرد منطبق گشته است. به عبارتی دیگر بر اساس برداشتی جدید در موسیقی هندوستان، مفهوم راگا عبارت است از: تصور ذهنی موسیقی که به صورت پدیده‌ای صوتی طرح‌ریزی شده است»^(۱).

یکی از محققین موسیقی نظریهٔ اقتباس راکهای موجود در ردیف سنتی ایران از راگهای

هندی را، عاری از صحت می‌دانند.^(۱) باتوجه به موضوع اثرپذیر بودن موسیقی هر فرهنگ از موسیقی‌های فرهنگهای قومی همجوار، در تحقیق و بررسی فرهنگ موسیقی اغلب ممالک شرقی و غربی از قبیل (ترکیه - عربستان - پاکستان - افغانستان - یونان) واژه راک مصداق و ریشه پیدا نمی‌کند، به غیر از کشور هندوستان که پایه و اساس موسیقی سنتی این کشور (راگاها) هستند و شعبات و شاخه‌های آن در نوبتهای مختلف روز، برای خوانندگی و نوازندگی مصداق کاربرد دارد. بنابراین در نهایت می‌توان دربارهٔ واژه راک و موجودیت آن در ردیف موسیقی ایران چنین گفت که:

راک از ریشهٔ هندی کلمهٔ راگا به معنی نغمه و سرود گفته شده است.^(۲)

بنیاد پیوند خوردن این واژه به موسیقی ایران را می‌توان از مقطعی دانست که بهرام گور پادشاه ایرانی در سفرهایی که به هندوستان کرد و در مراجعت به ایران بنا به روایاتی ۴۰۰ لولی (نوازنده) را با خود به ایران آورد و از وجود آنها در مواقع لزوم استفاده می‌نمود.

البته بنیاد ملودی راگاها در اصول و قواعد موسیقی هندوستان به طریقی دیگر است ولی این نغمات (راگاها) امروزه به گونه‌ایی که در خور با حالات و ویژگیهای فواصل گامهای موسیقی ایران است خود را نمودار ساخته و متجلی شده‌اند.

گوشهٔ راک در حال حاضر در ردیف‌های ثبت و ضبط شدهٔ موجود با نامهای مختلف (راک هندی - راک کشمیر - راک عبدالله - نغمه راک - صغیر راک - شمه راک) آمده و وارد شده است.

۱ - محمد تقی مسعودیه در همان کتاب ص ۱۹۳

۲ - راک در فارسی به معنای قوچ جنگی نیز آمده است ولی در عرف موسیقی با مفهوم نغمه و سرود مورد نظر

به شعر حافظ شیراز می خوانند و می رقصند سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

«حافظ»

«۳۶»

۱- نام گوشه : راک کشمیر

۲- محل قرار نت شاهد : درجه هشتم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه هشتم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

راجع به واژه راک در قسمت وجه تسمیه راک هندی به تفسیر توضیح آمد. واضح است نوعی از راک که در کشمیر نواخته و می خوانده اند به راک کشمیر شهرت یافته است. نت شاهد آن درجه هشتم گام ماهور می باشد. روند ملودی آن به طریقی است که ابتدا در شروع ملودی میل به طرف نتهای اولیه گام (درجه پنجم گام) پیدا می کند و پس از آن با حالتیایی تحریرگونه به نت شاهد (درجه هشتم) مراجعت می کند.

«۳۷»

۱- نام گوشه : آشوراوند

۲- محل قرار نت شاهد : درجه نهم گام

۳- گستره ملودی تا : درجه دوازدهم گام

۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

«آشوراوند» کلمه ایی است مرکب از دو بخش «آشور» و «آوند» که دارای معانی متعدد می شود. از جمله ظرف آب اعم از (کوزه - کاسه - جام) و مانند اینها. همچنین به معنی شراب و نیز ریسمان

یا وسیله‌ایی که چیزی را بیاویزند و در مورد آشوراوند یعنی نوا و آهنگی که آویختگی دارد با قوم آشور»^(۱).

همچنین در صورتیکه واژه آشور را به صورت تنها بکار ببریم می‌توان نسبت آن را به دهکده‌ایی در شمال ایران به نام (آشوراده) دانست و ملودی آن را به محلی‌ها و سکنه بومی آن نواحی نسبت داد. آشوراوند در واقع اوجی است برای گوشه راک^(۲).
در حال حاضر گوشه‌ایی است که در دستگاههای ماهور - راست و پنجگاه اجرا می‌شود.

صفیر مرغ برآمد بط شراب کجاست فغان فتاد به بلبل نقاب گل که کشید

«حافظ»

«۳۸»

- ۱- نام گوشه : صفیر راک «صفیر»
- ۲- محل قرار نت شاهد : درجه دوازدهم گام
- ۳- گستره ملودی تا : درجه دوازدهم گام
- ۴- وجه تسمیه : توضیح در متن

صفیر در لغت به چند معناست:

- ۱- آواز پرندگان عموماً و خصوصاً آواز بلبل
- ۲- بانگ - آواز - نوا
- ۳- نوعی ساز بادی

۴- صوتی که به وسیله دهان استخراج می‌کنند و به آن سوت هم می‌گویند.

بسیاری از شعرا با توجه به معنای مختلف صفیر را با مضامین مختلف در اشعارشان

آورده‌اند. از جمله حافظ و منوچهری:

۱ - فرهنگ موسیقی ایرانی، ارفع اطرائی.

۲ - تئوری موسیقی - علینقی وزیری ص ۲۴۹

